

## نقدی بر ترجمه بطله کربلاء بنت الشاطی

مریم بخشی\*

علی قهرمانی\*\*

زیلا سروری\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۳]

### چکیده

ترجمه کانالی برای داد و ستد اندیشه و مهم‌ترین ابزار ارتباطی و پیشرفت بین ملت‌ها بوده که در آن مهارت و درک درست اندیشه‌ها در کنار امانتداری و پایبندی به سبک اهمیت فراوان می‌یابد. برای بررسی میزان موفقیت یک ترجمه، نقد ترجمه مورد توجه قرار می‌گیرد. هدف از نقد و بیان کاستی‌های ترجمه کمک به بهبود آن و دوری از خطاها و تلاش برای رفع آنها است. بطله کربلاء کتاب ارزشمند و سند مهم زندگانی آن حضرت و برخی از حوادث کربلا است. این کتاب اثر یک نویسنده سنی به نام عائشه عبدالرحمان است که آثار خود را با اسم بنت الشاطی منتشر می‌کرد. پژوهش حاضر به دنبال آن است که ترجمه این اثر، با عنوان زینب بانوی قهرمان کربلا، به قلم حبیب‌الله چایچیان (حسان) و مهدی آیت‌الله‌زاده نایینی را با روش توصیفی - تحلیلی نقد کند تا میزان موفقیت مترجمان را بسنجد و خطاهای آنان در ترجمه آن را مشخص کند. این ترجمه در دو بخش محاسن و کاستی‌ها و در دو قسمت کاستی‌های محتوایی و شکلی تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: نقد ترجمه، بطله کربلاء، عائشه عبدالرحمان، بنت الشاطی، چایچیان، آیت‌الله‌زاده نایینی.

\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول) m.bakhshi8@gmail.com

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان d.ghahramani@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان abisabz@yahoo.com

## مقدمه

حضرت زینب، بانوی قهرمان اسلام، در کنار سیدالشهدا و پس از آن در اسارت، مسئولیت بزرگی را بر عهده داشت. ایشان با حضور در بزرگ‌ترین نهضت اسلام، با روشنگری‌های خود همه را از حقیقت عاشورا آگاه و دستگاه اموی را رسوا کرد. ایشان با غلبه نیروی تفکر و تعقل بر احساس در این واقعه، جریان اسارت را به‌خوبی مدیریت کرد و با سخنوری و فصاحت پرده از فسادهای دستگاه ظلم برداشت و با صبر و درایت خود ارزش‌های اسلامی را پاس داشت. محمد غالب شافعی، از علمای اهل سنت در مورد حضرت زینب (س) می‌نویسد:

یکی از بزرگ‌ترین زنان اهل بیت از نظر حسب و نسب و از بهترین بانوان طاهره که دارای روحی بزرگ و مقام تقوا و آینه سرتاپانمای رسالت و ولایت بوده، حضرت سیده زینب دختر علی بن ابی‌طالب است که به نحو کامل او را تربیت کرده بودند و از پستان علم و دانش خاندان نبوت سیراب شده بود، به حدی که در فصاحت و بلاغت یکی از آیات بزرگ الهی شد و در حلم و کرم و بینایی و بصیرت و تدبیر کارها در میان خاندان بنی‌هاشم، بلکه در عرب، مشهور شد. او جمال و جلال و سیرت و صورت و اخلاق و فضیلت را جمع کرده بود. شب‌ها در حال عبادت بود و روزها را روزه داشت و به تقوا و پرهیزکاری معروف بود (وجدی، ۱۹۷۱: ۷۹۶-۷۹۵/۴).

بدون شک یکی از حوادث مهمی که در طول تاریخ موضوع نگارش اندیشمندان و صاحبان قلم، اعم از مسلمان و غیر مسلمان و شیعه و سنی بوده، واقعه کربلا و نقش حضرت زینب است. از آن زمان تاکنون هزاران کتاب به چاپ رسیده و منبعی برای رهروان و شیفتگان اسلام و امامت شده است. کتاب‌های متعدد و فراوانی نیز به زبان‌های دیگر، از جمله عربی، نگاشته شده که با عنایت مترجمان به فارسی برگردانده شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. کتاب *زینب بطلة کربلاء* تألیف عایشه عبدالرحمان، معروف به بنت الشاطی، بانوی نویسنده مصری است که با ترجمه حبیب چایچیان

(حسان) و مهدی آیت‌الله‌زاده نایینی به فارسی برگردانده شده است. این کتاب یکی از معتبرترین کتاب‌هایی است که به قلم یک بانوی نویسنده غیرشیعی نوشته شده و سند محکمی برای حقانیت شیعه و شناخت شخصیت حضرت زینب(س) و واقعه کربلا است.

### پیشینه پژوهش

کتاب *بطله کربلاء* از کتاب‌های ارزشمند در مورد واقعه کربلا و حضرت زینب (س) است که تا به حال مترجمان مختلفی آن را ترجمه کرده‌اند؛ ترجمه حبیب چایچیان و مهدی آیت‌الله‌زاده، ترجمه سید رضا صدر و ترجمه سید جعفر شهیدی از آن جمله‌اند که میزان اهمیت و ارزش کتاب را بیان می‌کنند. ترجمه چایچیان و آیت‌الله‌زاده با عنوان *زینب بانوی قهرمان کربلا*، که مورد بحث این مقاله است، تاکنون ۲۰ بار تجدید چاپ شده است، ولی علی‌رغم این اهمیت، هیچ کدام از ترجمه‌ها نقد و بررسی نشده‌اند. از این رو پژوهش حاضر با هدف ارتقای سطح علمی و ارزش ادبی این کتاب ارزشمند، گامی نو در این زمینه است.

### نویسنده و مترجم

**نویسنده:** بنت الشاطی عایشه عبدالرحمان، بانوی مؤلف و محقق مصری در ادبیات و علوم قرآنی، در ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م در دمياط مصر متولد شد و در همان‌جا رشد یافت. او نزد پدرش، که از تربیت‌یافتگان الازهر بود، ادبیات عربی و قرآن را آموخت. بنت الشاطی از معدود زنان مسلمان مصری عصر خویش است که در سطوح دانشگاهی شهرت و مقبولیت نسبی یافت. وی در محافل علمی و کنفرانس‌های جهانی بسیاری شرکت کرد، استاد میهمان چند دانشگاه در کشورهای عربی بود و بارها در مصر و دیگر کشورهای عربی از آثارش تقدیر شد (طیب حسینی، ۱۳۸۷: ۱۶).

بخشی از شهرت بنت الشاطی در جهان اسلام، به‌ویژه در ایران، به سبب نوشته‌های او درباره زندگی پیامبر اسلام و زنان خاندان او است. این نوشته‌ها اگرچه بر استنادهای علمی مبتنی‌اند، پردازش هنری و داستانی دارند که آنها را از تألیفات سیره‌نویسی

معاصر، چون آثار طه حسین و محمدحسین هیکل، متمایز می‌کند (دانش‌نامه جهان اسلام، ۱/ ۱۸۲۵). علاوه بر مقالات پراکنده‌ای که در برخی مجلات و روزنامه‌ها نوشته، بیش از ۶۰ عنوان کتاب و رساله کوچک و بزرگ درباره اعجاز قرآن، تفسیر ادبیات عرب، مسائل اجتماعی روز و زندگی‌نامه پیامبر و زنان خاندان او از بنت الشاطی به جا مانده که علاوه بر *التفسیر البیانی للقرآن الکریم*، برخی از آثار مهم او عبارت‌اند از: *الاعجاز البیانی للقرآن الکریم* و *مسائل ابن‌ازرق، مقال فی الانسان، القرآن و التفسیر العصری*، *تراجمه سیّدات بیت النبوة، القرآن و حرّیة الارادة، الخنساء، الشاعرة العربیة الأولى، لغتنا و الحیاة*. بنت الشاطی در دسامبر ۱۹۹۸م از دنیا رفت.

**مترجم:** حبیب‌الله چایچیان، متخلص به حسان، شاعر و مرثیه‌سرای اهل بیت در سال ۱۳۰۲ در تبریز زاده شد. در شش سالگی همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و تحصیلات خود را در تهران، در مدرسه ایران و آلمان، به پایان رساند. چایچیان با تشویق مادر به سرودن اشعار در مدح و مرثیه ائمه رو آورد. وی پس از سفر به کربلا فقط به سرودن مدح آل علی همت گماشت و آثار دیگرش را در آتش افکند. اشعار او مورد توجه جامعه مذهبی ایران و پارسی‌زبانان است و در جمع عزاداران عاشورایی زمزمه می‌شود. *گل‌های پرپر، خزان گلریز، باغستان عشق، سایه‌های غم، ای اشک‌ها بریزید* (جلد اول دیوان اشعار)، *خلوتگاه راز* (جلد دوم دیوان اشعار)، *چهل حدیث جالب از حضرت علی بن‌ابی‌طالب (ع)* و *جلد سوم دیوان اشعار* از جمله آثار او است.

#### ۱. نقد ترجمه

هیچ مترجمی عاری از خطا نیست؛ «مترجم مدام در معرض خطا است و عملاً خطا هم می‌کند» (خزاعی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۱). به این دلیل، نقد ترجمه میدان وسیعی برای تاخت و تاز منتقدان ترجمه است. هدف از بیان این نکته آن است که وجود چند خطا و نقد آن، از ارزش کار مترجم نخواهد کاست و جسارتی به محضر مترجم محترم نیست. هدف از نقد ترجمه و بیان کاستی‌های آن، کمک به بهبود این جریان، دوری از خطا و تلاش برای رفع آنها است. «نقد ترجمه اگر بدون غرض و کینه و با توجه به اصول و

چارچوب‌های درست آن به‌درستی انجام گیرد و مبتنی بر علم و آگاهی باشد، موجب تحولی شگرف و پیشرفتی چشمگیر می‌شود» (تقیه، ۱۳۸۴: ۵۳).

«ترجمه‌ای کامل است که مترجم از طریق گزینش و ترتیب مناسب کلمات و معادل‌یابی ماهرانه، لحنی مناسب به متن اصلی ببخشد. توجه نکردن به اصول صحیح ترجمه به متن اصلی و هم به زیبایی آن لطمه وارد می‌کند» (سیاوشی، ۱۳۹۱: ۶۰). کاستی‌های ترجمه چایچیان و آیت‌الله‌زاده از کتاب *بطله کربلاء* با عنوان *زینب بانوی قهرمان کربلا* به دو دسته محتوایی و شکلی تقسیم می‌شود:

## ۱-۱. کاستی‌های محتوایی

### ۱-۱-۱. رعایت نکردن امانتداری در ترجمه

تسلط بر زبان مبدأ و مقصد و آشنایی با موضوع متن اصلی سه شرط لازم برای درستی ترجمه است؛ اما کافی نیست. ترجمه خوب شرایط دیگری نیز دارد که یکی از آنها رعایت امانت است (فقهی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۵). مترجم نماینده و امین مؤلف است و باید از موضوع و سبک او محافظت کند. این امانتداری باید به‌گونه‌ای باشد که اگر مؤلف می‌خواست کتابش را به زبان ترجمه بنویسد، تفاوت چندانی با آن نمی‌کرد (معروف، ۱۳۸۳: ۴۷). در ادامه موارد عمده رعایت نکردن امانتداری می‌آید:

### الف) حذف در ترجمه

متن امانتی در دست مترجم است. از جمله معیارهایی که می‌تواند نشان‌دهنده حسن امانتداری مترجم باشد، نبود حذف و اسقاط‌های بیجا در ترجمه است. مترجم تا زمانی که دلیل منطقی برای حذف ترجمه نداشته باشد، نباید به این کار اقدام کند (گیتی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). «مترجم باید در قبال هر کلمه‌ای که از متن اصلی حذف می‌کند، پاسخ‌گو باشد» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۲). حذف نابجا جفا به متن اصلی است؛ حتی اگر در گفتار نویسنده اصلی اطناپ وجود داشته باشد، باز هم مترجم حق ندارد که به اختیار خود در آن دخل و تصرف کند (معروف، ۱۳۸۳: ۵۴).

نمونه‌های زیر از مواردی است که به دلایل مختلف حذف و اسقاط‌هایی در ترجمه انجام شده و با توجه به اینکه این کتاب یک کتاب و در واقع یک سند تاریخی و مذهبی به حساب می‌آید، حذف در آن به حوادث تاریخی و سیر آنها لطمه وارد می‌کند. در این کتاب دو نوع حذف صورت گرفته که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: حذف واژگان و حذف عبارت.

### حذف واژگان

- فرحبت به وأمنت روعة (بنت الشاطئ، ۱۴۰۶: ۶۵۲).

**ترجمه ارائه شده:** زینب نیز به او خوش آمد گفت و امانش داد (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۳).  
کلمه روعة به معنای ترس و خوف و وحشت است که حالت زینب را بیان می‌کند و مترجم با حذف این کلمه ترجمه جمله را ناقص ارائه داده است.  
**ترجمه پیشنهادی:** زینب نیز به او خوش آمد گفت و با ترس و دلهره امانش داد.

- و اخوتها العباس و جعفر و عبدالله و عثمان و محمد و ابوبکر (بنت الشاطئ، ۱۴۰۶: ۷۵۵).

**ترجمه ارائه شده:** برادرانش عباس و عبدالله و عثمان و محمد و ابوبکر (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۳۵).

جعفر در بین اسامی قید نشده است و چون این کتاب شرح یک رویداد مهم و یک سند تاریخی است، حذف یک اسم به روند کتاب و همچنین سیر حادثه مذکور در آن آسیب می‌زند.

- فأراها متفانية في حب اخيها و بنى اخيها (بنت الشاطئ، ۱۴۰۶: ۷۳۲).

**ترجمه ارائه شده:** او را می‌بینیم که در راه دوستی و محبت برادرزادگانش فانی شده است (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۰۷).

منظور از واژه «أخیها» امام حسین (ع) است که عشق و علاقه حضرت زینب به او در تمام لحظه‌های زندگی اش متبلور است و مترجم با حذف این واژه محبت او را نادیده گرفته است.

**ترجمه پیشنهادی:** او را می‌بینم که در راه عشق و محبت برادر و برادرزادگانش فانی شده است.

### حذف عبارت

- خدیجه بنت خویلد أولى امهات المؤمنین ... انفردت بحبه و اعزازه خمساً و عشرین سنة لا تشاركها فيه امرأة أخرى (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۶۵۵).

**ترجمه ارائه شده:** خدیجه بنت خویلد سرور همسران حضرت، که آنان را ام‌المؤمنین می‌گفتند، بود (چاپچیان، ۱۳۷۰: ۱۷).

عبارت حذف شده جمله‌ای مهم و کلیدی است که نشان می‌دهند پیامبر به حضرت خدیجه عشق می‌ورزید و در زمان حیات او همسر دیگری اختیار نکرد؛ اما مترجم با حذف این عبارت، که مؤلف آن را به زیبایی بیان کرده، این منظور را نیاورده است.

**ترجمه پیشنهادی:** خدیجه بنت خویلد سرور همسران پیامبر (ص)، که به آنان ام‌المؤمنین می‌گفتند، بود و او ۲۵ سال یگانه محبوب و عزیز پیامبر (ص) بود و زن دیگری در این عشق و محبت با او شریک نشد.

- وزرع لی فی قلوبهم العداوة بما استعظموا من قبلی حسیناً ... مالی و لابن مرجانة لعنه الله (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۹۰).

**ترجمه ارائه شده:** نهال دشمنی مرا در دل‌هایشان بکاشت؛ زیرا که کشتن حسین (ع) را به دست من کاری بس بزرگ شمردند (چاپچیان، ۱۳۷۰: ۱۷۶).

این جمله نشانگر پشیمانی و پریشانی یزید از کشتن امام حسین (ع) است و مترجم با حذف این جمله توانسته منظور نویسنده را به طور کامل منتقل کند.

**ترجمه پیشنهادی:** نهال کینه و دشمنی مرا در دل‌هایشان کاشت؛ زیرا کشتن حسین (ع) را به دست من کاری بسیار بزرگ شمردند؛ مرا به پسر مرجانه چه کار؟ خدا او را لعنت کند.

- اعرف ذلک یا ابی ... أخبرتنی به أُمی کما تهیئنی لغدی و لم یجد الاب ما یقول فأتروق صامتاً و قلبه یخفق رحمة و حناناً (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۶۶۵).

**ترجمه ارائه شده:** ای پدر، آن را می‌دانم؛ مادرم از آن خبردارم نموده است تا مرا برای فردا آماده نماید (چایچیان، ۱۳۷۰: ۳۰۶).

عبارت «لم یجد...» نشان‌دهنده عکس‌العمل حضرت علی (ع) در برابر گفته حضرت زینب (س) است و مترجم با حذف ناپجای آن باعث خدشه‌دار شدن مطلب شده است.

**ترجمه پیشنهادی:** ای پدر، آن را می‌دانم؛ مادرم از آن خبردارم نموده است تا مرا برای فردا آماده نماید. پدر جوابی نیافت، پس با سکوت و قلبی که از مهر و محبت می‌تپید سر به زیر انداخت.

موارد فراوانی از حذف واژه و عبارت در ترجمه وجود دارد که برای رسیدگی به مباحث دیگر، به موارد فوق بسنده می‌کنیم.

#### ب) جعل ترجمه و ارائه ترجمه نادرست

جعل ترجمه نیز به نوعی می‌تواند عدم امانتداری در ترجمه به شمار آید؛ زیرا مترجم به دلایل مختلف، از جمله تسلط نداشتن به زبان مبدأ یا فرار از ترجمه، قسمتی را حذف و اضافه می‌کند یا با تکیه بر حدس و گمان خود، ترجمه‌ای دور از واقعیت و نادرست ارائه می‌دهد (گیتی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). مثال‌های زیر از جمله این موارد در ترجمه مورد بحث است:

- قتلت منهم مضرى بمضرى (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۰۰).

**ترجمه ارائه شده:** با شمشیر از طایفه «بنی مضر» نیز به قتل رسانیدم (چایچیان، ۱۳۷۰:



در این عبارت منظور این است که افراد قبیله بنی مضر به دلیل اختلاف بین خودشان به دست افراد قبیله خود کشته شده‌اند؛ اما مترجم منظور نویسنده را متوجه نشده و ترجمه‌ای نادرست ارائه کرده است.

**ترجمه پیشنهادی:** افرادی از طایفه بنی مضر را به دست همان طایفه به قتل رساندم.

- یا رَبُّ هِیْجَا هِی خَیْرَ مِنْ دَعَا (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۶۸۳).

**ترجمه ارائه شده:** بسا هنگام که جنگ و جهاد بهتر از ترک آن است (چایچیان، ۱۳۷۰:

۵۲).

دعا به معنای مهربانی، صلح طلبی و ملایمت است که مترجم آن را از «ودع» به معنای ترک و رها کردن در نظر گرفته و ترجمه‌ای نادرست ارائه داده است.

**ترجمه پیشنهادی:** چه بسا جنگ و نبردی که بهتر از صلح و دوستی است.

- والله ما أقدمنی هذا المصیر و قد كنت هاربا منه لا آمن مع أهله (بنت الشاطی، ۱۴۰۶:

۷۰۴).

**ترجمه ارائه شده:** اما به خدا قسم خیال آمدن به این شهر را نداشتیم؛ زیرا به اهل

آن ایمان نداشته و از اینجا گریزان و فراری بودم (چایچیان، ۱۳۷۰: ۷۳).

در این عبارت مترجم به کلمه مصیر، که به معنای سرنوشت است، توجه نداشته و

عبارت «ما أقدمنی هذا المصیر» را ترجمه نکرده است.

- ترقب عن کتب و میض تلك الثورة التي شبتها عائشه (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۶۹۴).

**ترجمه ارائه شده:** از دور نگران فتنه‌ای بود که عایشه برپا کرده بود (چایچیان، ۱۳۷۰:

۶۰).

در این عبارت «کتب» به معنای نزدیک و قرب است و مترجم به اشتباه معنای دور

را برای آن به کار برده است. «رقب» نیز به معنای با دقت نگرستن و اشراف داشتن

است که مترجم آن را به اشتباه به نگران ترجمه کرده است. همچنین مترجم «ومیض»،

به معنای شعله و جرقه و بارقه، را به فتنه ترجمه کرده و در کل ترجمه‌ای نامناسب ارائه داده است.

**ترجمه پیشنهادی:** او از نزدیک شراره آتش انقلابی را که عایشه برافروخته بود، با دقت می‌نگریست.

- یجیر علی المسلمین أدناهم (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۶۵۳).

**ترجمه ارائه شده:** حتی کوچک‌ترین افراد مسلمین هم حق دارد کسی را در پناه مسلمین بگیرد (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۴).

گویا مترجم در این جمله ساختار جمله و منظور نویسنده را متوجه نشده است؛ از این رو ترجمه‌ای نامفهوم و نامناسب ارائه داده است.

**ترجمه پیشنهادی:** بدترین و پست‌ترین آنها (مشرکان) می‌توانند به مسلمانان پناهنده شوند.

- ام عبدالله بن جعفر «اسما بنت عمیس أخت میمونه ام المؤمنین» (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۶۸۰).

**ترجمه ارائه شده:** مادر عبدالله بن جعفر اسماء دختر عمیس بود که میمونه همسر امیرالمؤمنین خواهر او بود (چایچیان، ۱۳۷۰: ۴۸).

ام المؤمنین لقبی برای زنان پیامبر (ص) بود و به کس دیگری اطلاق نمی‌شد. میمونه نیز یکی از زنان پیامبر (ص) بود؛ ولی مترجم بدون توجه به این نکته، ام المؤمنین را همسر امیرالمؤمنین ترجمه کرده است.

**ترجمه پیشنهادی:** مادر عبدالله بن جعفر اسماء دختر عمیس و خواهر میمونه همسر پیامبر (ص) بود.

#### ۱-۲. عدم معادل‌یابی صحیح واژگان

معادل‌یابی بازگویی عبارت متن اصلی با واژه‌ها و عبارات مأنوس و آشنا برای خواننده متن ترجمه است، به این معنا که مترجم موقعیت عبارت متن اصلی را با موقعیتی مشابه

در زبان مقصد مقایسه می‌کند و از خود می‌پرسد در زبان مقصد چنین مفهومی در چنین موقعیتی چگونه بیان می‌شود (ناظمیان، ۱۳۸۶: ۴۹-۵۰). معادل‌یابی صحیح واژگان تا آنجا اهمیت دارد که یوجین نایدا «نزدیک‌ترین معادل طبیعی» را در تعریف ترجمه عنوان کرده است (سعیدان، ۱۳۸۷: ۲۴). معادل‌یابی عنصر واژگانی در زبان مقصد چنان دقت و حساسیتی می‌طلبد که گاه آن را تا مرز ترجمه‌ناپذیری واژه پیش می‌برد. بدیهی است که یافتن برابره‌های ترجمه آسان نیست؛ چون مترجم باید به جنبه‌های دیگری از زبان مثل نوع متن، بار عاطفی و هدف نویسنده متن در زبان مبدأ نیز توجه کند (مسبوق و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹).

به هر حال بیشترین مشکلات ترجمه در دستور زبان نیست، بلکه در مقوله واژگان، یعنی لغات و همایندها و عبارات ثابت یا اصطلاحات است. این مشکلات دو گونه است: الف) آنها را درک نمی‌کنید؛ ب) در برگرداندن آنها مشکل دارید (پالامبو، ۱۳۹۰: ۳۹). مثال‌های زیر از مواردی است که مترجم با بی‌توجهی به معادل‌یابی واژه‌ها، ترجمه‌ای نادرست و نامناسب ارائه داده است:

– أما لقد أخذ قضيبك من ثغره مأخذاً لربما رأيت رسول الله (ص) يرشفه (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۷۶).

**ترجمه ارائه شده:** عجباً که چوبدست تو به جایی از دهان حسین (ع) وارد آمد که من بارها دیده‌ام که رسول خدا (ص) آنجا را می‌مکید (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۵۹). «رشف» به معنای جرعه جرعه نوشیدن و قورت دادن است و ترجمه آن به مکیدن ترجمه‌ای نادرست و نامناسب است؛ چراکه مرجع ضمیر «ه» در یرشفه دهان امام حسین (ع) است و مکیدن دهان توسط پیامبر (ص) از لحاظ فرهنگی معادل خوبی نیست.

**ترجمه پیشنهادی:** با چوبدستی‌ات جایی از دهان او را می‌زنی که بارها دیده‌ام رسول خدا (ص) به آنجا بوسه می‌زد.

– يوم حاول عمر بن الخطاب أن يقتحم بيت الزهراء كي يحمل علياً علي البيعه

لابی‌بکر (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۶۶۸).

**ترجمه ارائه شده:** روزی که عمر بن خطاب قاهرانه وارد خانه زهرا (س) شد تا علی (ع) را برای بیعت با ابوبکر همراه خود ببرد (چایچیان، ۱۳۷۰: ۳۶).  
فعل «اقتحم» به معنای حمله کردن و یورش بردن است؛ اما به قاهرانه، یعنی پیروز و غالب، ترجمه شده و با توجه به اینکه این عبارت بیان وقایع بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) و خلافت ابوبکر و نحوه برخورد با آن است، ترجمه درست از اعتبار و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

**ترجمه پیشنهادی:** روزی که عمر سعی کرد به زور وارد خانه حضرت زهرا (س) شود تا علی (ع) را برای بیعت با ابوبکر با خود ببرد.

- و قلوبهم تحف بالسيدة الوالدة اجلالاً و محبةً و الستهم تلهج لها بالدعاء الحار (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۶۵۱).

**ترجمه ارائه شده:** در حالی که قلوب آکنده از محبت و احترام ایشان بر گرد آن مادر گرامی طواف نموده و زبانشان به دعاگویی او مشغول بود (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۱).  
در این جمله فعل «حفی» به معنای خوش آمدگویی و تبریک است و طواف کردن ترجمه مناسبی برای آن نیست؛ زیرا تبریک و شادباش برای تولد است و از لحاظ فرهنگی، طواف کردن معادل مناسبی برای این موقعیت نیست.  
**ترجمه پیشنهادی:** در حالی که قلب‌های لبریز از احترام و محبتشان به آن مادر بزرگوار تبریک می‌گفت و زبانشان به دعاگویی گرم او مشغول بود.

- لم یکنوا فی ذلک الظن سذجاً أو غافلین (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۸۹).

**ترجمه ارائه شده:** این گمان از راه مبالغه یا نادانی نبود (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۷۵).  
«سذجاً و سذاجه» به معنای ساده‌لوحی، سادگی و بی‌اطلاعی است و واژه مبالغه معنای صحیح و مناسب آن نیست.

**ترجمه پیشنهادی:** این گمان آنها از روی ساده‌لوحی یا نادانی نبود.

### ۳-۱-۱. انتقال نامأنوس و نامتعارف

انتقال در ترجمه به معنای فرایند منتقل کردن کلمه‌ای است از زبان مبدأ به زبان مقصد (نیومارک، ۱۳۸۲: ۱۰۳). «مترجم در صورتی که بخواهد کلمه‌ای را از زبان مبدأ به زبان مقصد انتقال دهد باید به این نکته توجه داشته باشد که آیا معنای واژه انتقال‌یافته به همان اندازه که در متن مبدأ برای مخاطب روشن و مأنوس است، در ترجمه نیز چنین خواهد بود یا خیر» (گیتی، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

یکی از اصول ترجمه، دقت در گزینش واژگان صحیح و پرهیز از به‌کارگیری واژگان نامأنوس است؛ زیرا متن ترجمه نباید از متن اصلی دشوارتر باشد. از این رو مترجم باید واژگانی را انتخاب کند که در زبان مقصد رایج و گویا باشد؛ زیرا بهره‌گیری از واژگان نامأنوس در متن ترجمه موجب گنگی آن و سردرگمی خواننده خواهد شد. مترجم افزون بر ترجمه همه واژگان متن اصلی، باید بکوشد بهترین و رساترین معادل را برای آنها بیابد و آنها را در متن ترجمه به کار برد (فقهی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶).

در ادامه به نمونه‌های استفاده از واژه‌های عربی در ترجمه فارسی و ترجمه و انتقال نامتعارف، نامفهوم و نامأنوس در ترجمه چایچیان و آیت‌الله‌زاده اشاره می‌شود:

– ای خوف غامض قد غزا قلبها الخلی (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۶۶۷).

**ترجمه ارائه شده:** که می‌داند که در آن هنگام چه دهشت نامفهومی به قلب بی‌آلایش او روی آورده شده بود (چایچیان، ۱۳۷۰: ۳۳).

کلمه «دهشت» عربی و به معنای حیرت و تعجب است؛ بنابراین استفاده از آن در زبان فارسی صحیح نیست و معادل مناسبی برای کلمه خوف به شمار نمی‌رود. همچنین فعل «قد غزا» به «روی آورده شده» ترجمه شده که با اسلوب ساختاری زبان فارسی متناسب نیست.

**ترجمه پیشنهادی:** چه کسی می‌داند که در آن زمان چه ترس مبهمی به قلب بی‌آلایش او روی آورده بود.

– قاتل زید برایة الرسول حتی مزقته رماح القوم فأخذها جعفر (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۶۸۰).

**ترجمه ارائه شده:** آنگاه جعفر رایت را به دست خویش گرفت (چایچیان، ۱۳۷۰: ۴۷).  
رایه کلمه‌ای عربی به معنای پرچم است که مترجم به اشتباه عین همان واژه، که برای مخاطب متن مقصد واژه‌ای نامأنوس است، را به متن مقصد انتقال داده است.  
**ترجمه پیشنهادی:** جعفر پرچم را به دست گرفت.

- أجل هی زینب التی جعلت من مصرع اخیها الشهد مأساة خالدة (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۸۰۰).

**ترجمه ارائه شده:** آری زینب بود که از واقعه شهادت برادرش سرگذشتی الم‌انگیز و جاودانی بر جای نهاد (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۹۱).  
واژه «الم» عربی و به معنای درد است؛ بنابراین ترجمه «مأساة» به الم‌انگیز صحیح نیست.

**ترجمه پیشنهادی:** آری زینب بود که از واقعه شهادت برادرش یک تراژدی جاودان بر جای نهاد.

- ما أجرأهم علی الله و علی انتهاک حرمة رسول الله (ص) (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۵۴).  
**ترجمه ارائه شده:** آیا چه چیزی آنان را این چنین بر خدا و از بین بردن حرمت پیامبر خدا (ص) گستاخ نموده است (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۳۳).

- فما عذرنا إلی ربنا و عند لقاء نبینا (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۹۶).  
**ترجمه ارائه شده:** آیا عذر ما در پیشگاه پروردگار و هنگام دیار پیغمبرمان چه خواهد بود (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۸۴).

واژه «آیا» در این عبارت‌ها نه در متن مبدأ وجود دارد و نه متن مقصد چنین اقتضایی را ایجاب می‌کند؛ بنابراین آوردنش در اینجا اضافی است و آمدن دو اسم استفهام در یک عبارت باعث نامأنوس شدن آن می‌شود.

### ۱-۱-۴. ترجمه تحت‌اللفظی

در ترجمه تحت‌اللفظی، مترجم برای هر واژه از زبان مبدأ، واژه‌ای از زبان مقصد انتخاب می‌کند. در این نوع ترجمه، مترجم هیچ‌گونه تغییری در معانی واژگان و ساختار دستور زبان مبدأ ایجاد نمی‌کند و به دستور زبان مقصد و معنای دوم کلمات و اصطلاحات بی‌توجه است. «این نوع ترجمه اغلب به دلیل نارسا بودن نسبت به سایر انواع ترجمه از مقبولیت کمتری برخوردار است» (معروف، ۱۳۸۳: ۱۳)؛ زیرا «ترجمه تحت‌اللفظی در پاره‌ای موارد گنگ و رمز ناگشوده است و ارزش ارتباطی آن ناچیز است» (امامی، ۱۳۷۶: ۲۵). یوجین نایدا و چارلز تیبر در کتاب ترجمه در نظر و عمل می‌نویسند: «بهترین ترجمه آن است که ترجمه به نظر نیاید» (رابینسون، ۱۳۸۰: ۲۰۱). ترجمه تحت‌اللفظی در واقع همان زبان ترجمه‌وار است که مترجم باید سعی کند از آن بپرهیزد.

در ترجمه بطله کربلاء نیز مواردی از ترجمه تحت‌اللفظی وجود دارد که به چند مورد اشاره می‌شود:

- لکنهم مضوا عنه واحداً فی أثر واحد (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۵۷).

ترجمه ارائه شده: اما هر یک از ایشان در پی دیگری از پیش او می‌گذشتند (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۳۷).

این عبارت واژه به واژه ترجمه شده که در نتیجه ترجمه‌ای ناخوشایند ارائه شده است.

ترجمه پیشنهادی: اما آنها به دنبال هم از مقابل او می‌گذشتند.

- فلطمت الاخت وجهها و صاحت (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۴۴).

ترجمه ارائه شده: خواهر لطمه به صورت خویش زد و فریاد کشید (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۲۱).

لطمه زدن به صورت در هنگام مصیبت واژه‌ای نامناسب است و در زبان فارسی کاربرد ندارد؛ بنابراین بهتر است به جای آن از واژه چنگ زدن استفاده شود.

ترجمه پیشنهادی: زینب به صورتش چنگ زد و فریاد کشید. [www.SID.ir](http://www.SID.ir)

- لیس لك الویل یا اخیه (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۴۵).

**ترجمه ارائه شده:** ای خواهر شری برای تو نیست (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۲۱).  
در این عبارت علاوه بر ترجمه تحت‌اللفظی، واژه ویل که به معنای غم و اندوه و مصیبت است، اشتباه ترجمه شده است.  
**ترجمه پیشنهادی:** وای بر تو نیست ای خواهرکم.

- تلتفت زینب و راءها مرة و مرتین (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۳۴).

**ترجمه ارائه شده:** زینب یک بار و چند بار به پشت سر خویش نظر می‌افکند (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۰۹).  
این عبارت ترجمه واژه به واژه است که مطابق اسلوب زبان فارسی نیست.  
**ترجمه پیشنهادی:** زینب بارها به پشت سرش نگاه کرد.

#### ۱-۱-۵. عدم معادل‌یابی دستوری (خطاهای صرفی و نحوی)

یکی از وظایف مترجم توجه به صرف و نحو عربی و در نظر گرفتن متن ساختار زبان مبدأ و مطابقت دادن با ساختار زبان مقصد است. در حقیقت «نظریه ترجمه بر سه پایه استوار است: ۱. انتقال پیام؛ ۲. معادل‌یابی واژگانی؛ ۳. معادل‌یابی دستوری» (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۶۱). رعایت نکردن معادل‌یابی دستوری علاوه بر وارد کردن ساخت‌های نامأنوس به زبان مقصد، از روانی و شیوایی نثر می‌کاهد (همان: ۷۰).

به نمونه‌هایی از خطاهای صرفی و نحوی موجود در ترجمه مورد بحث اشاره می‌شود:

- ثم لم ترها المدینه بعد ذلك أبدأ (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۸۵).

**ترجمه ارائه شده:** بعد از آن دیگر مدینه را به چشم ندید (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۷۰).  
در این جمله «مدینه» نقش فاعل را دارد که مترجم، هرچند مفهوم را رسانده، آن را به صورت مفعول ترجمه کرده است. در این جمله نویسنده از صنعت تشخیص استفاده کرده که با بی‌توجهی مترجم، این نکته بلاغی از بین رفته است.  
**ترجمه پیشنهادی:** بعد از آن مدینه هرگز او را ندید.



– لا والله لا عذر دون أن تقتلوا قاتله و الموالین علیه او تقتلوا فی طلب ذلک (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۹۶).

**ترجمه ارائه شده:** به خدا سوگند که عذری نخواهد بود، مگر اینکه قاتلین حسین (ع) و یاران آنها را بکشید و یا در راه رسیدن به این مقصود به مبارزه برخیزیم (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۸۴).

در این عبارت خطاهای صرفی و نحوی متعددی وجود دارد:

۱. قاتل مفرد به صورت جمع ترجمه شده است؛
  ۲. ضمیر «ه» جمع ترجمه شده است؛
  ۳. فعل «تقتلوا» علاوه بر اشتباه معنایی، باید برای صیغه «جمع مذکر مخاطب» و مجهول به کار رود که در ترجمه برای متکلم مع غیر استفاده شده است.
- ترجمه پیشنهادی:** به خدا قسم هیچ بهانه‌ای ندارید، جز اینکه قاتل حسین و یاری‌کنندگان او را بکشید یا در راه رسیدن به این هدف کشته شوید.

– إنما الأمر إلى الجلیل (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۴۷).

**ترجمه ارائه شده:** کارها به دست خدای جلیل است (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۲۵).

«إنما» از ادات حصر است که معادل ترجمه آن در فارسی «فقط» و «تنها» و الفاظ مشابه آنها است.

**ترجمه پیشنهادی:** کارها فقط به دست خدای بزرگ است.

– انطلقت من الدار خارجة تعدو فی ذعر (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۶۳).

**ترجمه ارائه شده:** سراسیمه از خانه بیرون رفت (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۴۲).

«ذعر» به معنای ترس و وحشت است و تعدو از ریشه «عدو» به معنای دویدن. «تعدو فی ذعر» جمله حالیه برای بیان حالت زن پس از دیدن سر مبارک امام حسین (ع) است که مترجم با حذف جمله حالیه نتوانسته منظور دقیق نویسنده را بیان کند.

**ترجمه پیشنهادی:** به سرعت از خانه خارج شد در حالی که وحشت‌زده می‌دوید.

### ۱-۱-۶. ترجمه نادرست عددها

در ترجمه چایچیان و آیت‌الله‌زاده از بطله کربلاء مواردی از ترجمه نادرست عددها وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

– غربت شمس العاشر من المحرم سنة احدى وستين (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۵۸).

**ترجمه ارائه شده:** وقتی که آفتاب عاشورای محرم سال ۷۱ هجری غروب کرد (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۳۸).

**ترجمه پیشنهادی:** وقتی که خورشید روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری غروب کرد.

– قصه ثلاثه و سبعین شهیداً ثبتوا ساعات ذات عدد امام اربعة آلاف (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۵۹).

**ترجمه ارائه شده:** سرگذشت هفتاد و دو نفر شهیدی که ساعت‌ها در مقابل چهارهزار نفر پافشاری نمودند (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۴۰).

در این عبارت «ثلاثه و سبعین» به معنای ۷۳ شهید و منظور مؤلف امام حسین (ع) و ۷۲ یار او است که مترجم با توجه به زمینه ذهنی از شهدای کربلا، آن را به اشتباه به ۷۲ نفر ترجمه کرده است. ضمن آنکه واژه نفر از شیوایی ترجمه کاسته است. همچنین «پافشاری کردن» معادل خوبی برای «ثبتوا» نیست و بهتر بود مترجم از کلمات «مقاومت و ایستادگی» استفاده می‌کرد.

**ترجمه پیشنهادی:** داستان هفتاد و سه شهیدی که ساعت‌ها در مقابل چهار هزار نفر ایستادگی کردند.

### ۱-۱-۷. رعایت نکردن وحدت رویه

مترجم باید رعایت وحدت رویه و سبک یکسان در ترجمه را مدنظر داشته باشد. ارائه ترجمه‌های متفاوت برای یک واژه، بدون اینکه تفاوت معنایی داشته باشد، از خطاهای ترجمه است. به برخی از نمونه‌ها در ترجمه مورد بحث اشاره می‌کنیم:

– تقی الأامل و الثواكل (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۸۲).

ترجمه ارائه شده: بیوه‌زنان و یتیمان باقی می‌مانند (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۶۷).

- فلم یتروک سوی هذه البقیة التعسة من الصبیة الیتامی و النسوة الثواکل (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۸۲).

ترجمه ارائه شده: و از آنان به جز چند نفر دختر یتیم و زنان داغ‌دیده محنت‌زده کسی را باقی نگذاشت (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۶۶).

مترجم در این دو جمله ترجمه‌های متفاوتی را برای واژه «ثواکل» ارائه داده است. ثواکل جمع «ثکلی» از ریشه ثکل به معنای «زنان داغ‌فرزند دیده» است؛ ولی مترجم در جمله نخست آن را به معنای یتیمان به کار برده است.

ترجمه پیشنهادی: بیوه‌زنان و زنان داغ‌دیده باقی می‌مانند.

- تحرکت القافلة من جدید واجمة مسیره (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۳۷).

ترجمه ارائه شده: بار دیگر کاروان به حرکت درآمد؛ حرکتی که اختیاری نبود (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۲۳).

- کانت المدینه فی تلك الفتره واجمة تترقب أبناء سبط الرسول (بنت الشاطی، ۱۴۰۶: ۷۸۰).

ترجمه ارائه شده: مدینه در آن ایام آرامش بعد از طوفان را داشت و با سکوت غم‌انگیزی در انتظار رسیدن اخبار از نواده پیغمبر (ص) بود (چایچیان، ۱۳۷۰: ۱۶۴).

«واجمة» یعنی کسی یا چیزی که در اثر ترس خاموش، گرفته، اخمو و ساکت باشد که مترجم دو معنای متفاوت برای آن ارائه داده و در جمله نخست به اشتباه آن را «اختیاری» ترجمه کرده است.

## ۲-۱. کاستی‌های شکلی

### ۱-۲-۱. نداشتن انسجام واحد در ساختار کتاب

مترجم محترم در این کتاب سبک واحدی را رعایت نکرده است. اشعار و نقل قول‌هایی در متن اصلی وجود دارد که مترجم ترجمه برخی از آنها را همراه با اصل جمله عربی

آورده و در برخی از موارد فقط به ذکر ترجمه بسنده کرده است. این روال از آغاز تا پایان کتاب وجود دارد؛ از جمله صفحات ۳۹، ۴۱، ۴۸، ۵۰، ۵۴، ۵۹، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۹۵، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۷۶ و ۱۸۷.

### ۱-۲-۲. ترجمه نکردن پاورقی‌ها

مترجم باید تمام قسمت‌های کتاب را ترجمه کند و حذف هر قسمتی از آن، وفادار نبودن به مؤلف و دریغ مطالب مفید از خواننده کتاب است. در این ترجمه، مترجم چند مورد از پاورقی‌های کتاب، از جمله صفحه ۷۸۷ و ۷۹۳، را ترجمه نکرده است.

### ۲-۲-۳. رعایت نکردن ساختار شکلی کتاب

پاراگراف‌بندی و ترتیب مطالب در این ترجمه با متن اصلی اثر یکسان نیست، به طوری که اگر خواننده برای یافتن مطلبی از یک پاراگراف متن مبدأ به متن مقصد مراجعه کند، آن را به راحتی نخواهد یافت؛ پایبند نبودن مترجم به ساختار شکلی کتاب باعث سردرگمی مخاطب می‌شود.

### ۲. محاسن ترجمه

این ترجمه، با وجود خطاهایی که دارد، از متنی روان و شیوا برخوردار است. علاوه بر این، با توجه به اینکه مؤلف کتاب از اهل تسنن است، در مواردی که مطالب متن اصلی با عقیده یا روایات شیعی اختلاف داشته یا نیازمند شرح و تفسیر بوده، مترجم در پاورقی برای آن شرح و توضیح نوشته است که از جنبه‌های مثبت و مهم کتاب به شمار می‌آید.

دیگر مزیت این ترجمه این است که در ابتدای هر فصل و متناسب با عنوان آن، اشعاری را آورده که به زیبایی کتاب افزوده است. سراینده این اشعار یکی از مترجمان کتاب، آقای حبیب‌الله چایچیان معروف به حسان، از شاعران و مداحان اهل بیت است.

### نتیجه‌گیری

هدف از نقد ترجمه و بیان کاستی‌های آن، کمک به بهبود این جریان، دوری از خطاها و تلاش برای رفع آنها است. کاستی‌های کتاب زینب بانوی قهرمان کربلا ترجمه بطله کربلاء به دو دسته محتوایی و شکلی تقسیم می‌شوند: کاستی‌های محتوایی عبارت‌اند از: رعایت نکردن امانتداری در ترجمه که موارد عمده آن از این قرارند: ۱. حذف در ترجمه؛ ۲. جعل ترجمه و ارائه ترجمه نادرست؛ ۳. عدم معادل‌یابی صحیح واژگان؛ ۴. انتقال نام‌انوس و نام‌تعارف؛ ۵. ترجمه تحت‌اللفظی؛ ۶. عدم معادل‌یابی دستوری؛ ۷. ترجمه نادرست عددها و ۸. رعایت نکردن وحدت رویه. کاستی‌های شکلی نیز عبارت‌اند از: ۱. نداشتن انسجام واحد در ساختار کتاب؛ ۲. ترجمه نکردن پاورقی‌ها و ۳. رعایت نکردن ساختار شکلی کتاب.

از محاسن این ترجمه می‌توان به این نکات اشاره کرد: ۱. ترجمه این کتاب از متنی روان و شیوا برخوردار است؛ ۲. با توجه به اینکه مؤلف کتاب از اهل تسنن است، در مواردی که مطالب متن اصلی با عقیده یا روایات شیعی اختلاف داشته یا موردی نیازمند شرح و تفسیر بوده، مترجم در پاورقی برای آن شرح و توضیح نوشته است؛ ۳. یکی از مترجمان، که از شاعران از اهل بیت است، برای ابتدای هر فصل و متناسب با عنوان آن اشعاری را سروده است.

## منابع

- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن (۱۴۰۶)، *السیة زینب بطلة كربلاء*، بیروت: دارالهلل.
- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن (۱۳۷۰)، *زینب بانوی قهرمان کربلا*، ترجمه حبیب چایچیان و مهدی آیت‌الله‌زاده نایینی، تهران: سپهر.
- تقیه، محمدحسن (۱۳۸۴)، «نقد ترجمه چیست؟»، *مطالعات ترجمه*، دوره سه، شماره یازده.
- خزاعی فر، علی (۱۳۹۴)، «نقد نقد ترجمه»، *فصل‌نامه مترجم*، سال بیست و چهارم، شماره ۵۶.
- پالامبو، کیز په (۱۳۹۰)، *اصطلاحات کلیدی در مطالعات ترجمه*، ترجمه فرزانه فرج‌زاد و عبدالله کریم‌زاده، تهران: قطره.
- راینسون، داگلاس (۱۳۸۰)، *مترجم شدن*، ترجمه رضی خدادادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سعیدان، اسماعیل (۱۳۸۷)، *اصول و روش کاربردی ترجمه*، تهران: رهنما.
- سیاوشی، صابره (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد ترجمه کتاب *تاریخ ادبیات عربی*»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، سال دوازدهم، ش ۱۲.
- طیب حسینی، محمود (۱۳۸۷)، «با بنت الشاطی در التفسیر البیانی»، *آینه پژوهش*، ش ۱۱۳، آذر-دی.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۸۹)، *کارگاه روش ترجمه*، تهران: سمت.
- مختاری اردکانی، محمدعلی (۱۳۷۶)، «چهارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه»، *فصل‌نامه مترجم*، شماره ۲۵.
- معروف، یحیی (۱۳۸۳)، *فن ترجمه (اصول نظری و عملی ترجمه)*، تهران: سمت.
- گیتی، شهریار و دیگران (۱۳۹۲)، «نقدی بر ترجمه العبرات منفلوطی بر مبنای ضرورت تسلط بر زبان مبدأ و مقصد»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، شماره ۷.
- مسبوق، سیدمهدی و دیگران (۱۳۹۴)، «معادل واژگانی و اهمیت آن در فهم دقیق متن، مورد کاوی پنج ترجمه فارسی از خطبه‌های نهج البلاغه»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۲.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۱)، *روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی*، تهران: سمت.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۶)، *فن ترجمه*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- نیومارک، پیتر (۱۳۸۶)، *دوره آموزش و فنون ترجمه*، ترجمه دکتر منصور فهیم و سعید سبزیان، تهران: رهنما.
- وجدی، محمد فرید (۱۹۷۱)، *دائرة معارف القرن العشرين*، بیروت: دارالمعرفة.

## نقد لترجمة كتاب بطة كربلاء لبنت الشاطي

مريم بخشي\*

علي قهرماني\*\*

زيلا سروري\*\*\*

[تاريخ الاستلام: ١٣/١١/١٤٣٩؛ تاريخ القبول: ٢٦/٠٤/١٤٤٠]

الترجمة نافذة لتبادل الأفكار وأهم وسيلة للتواصل ونقل واكتساب الخبرات والتجارب بين الشعوب، ومما يحظى بأهمية فائقة في الترجمة هو المهارة والفهم الصحيح للأفكار، هذا طبعاً الى جانب الأمانة والحرص على نقل وبيان اسلوب النص المترجم. واذا أردنا التعرف على مدى دقة ونجاح أية ترجمة، لا بدّ من طرحها على بساط التقييم والنقد. إن الهدف من النقد وبيان نقاط الضعف في الترجمة هو النهوض بها وتلافي ما يُحتمل من الأخطاء فيها، مع السعي لرفعها. بطة كربلاء كتاب قيم وسند مهمّ يعكس حياة السيدة زينب ولمحات من حوادث كربلاء. هذا الكتاب خطّه يراع مؤلّفة من أهل السنّة اسمها عائشة عبد الرحمن وهي تنشر مؤلفاتها باسم مُستعار هو بنت الشاطي. انتهج بحثنا هذا الاسلوب الوصفي - والتحليلي لنقد الترجمة الفارسية لهذا الكتاب، التي صدرت تحت عنوان كرينب بانوي قهرمان كربلاء، بقلم حبيب الله چايچيان (حسان) ومهدي آية الله زاده نائيني، من أجل التعرف على مدى نجاح المترجمين وتشخيص مواضع أخطاءهما في الترجمة. جرى تقييم ونقد هذه الترجمة في بابين، هما المحاسن والمعائب، من حيث الشكل والمحتوى.

**الألفاظ المفتاحية:** نقد الترجمة، بطة كربلاء، عائشة عبد الرحمن، بنت الشاطي، چايچيان، آية الله زاده النائيني.

\* استاذة مساعدة في قسم اللغة والأدب العربي، جامعة الشهيد مدني، آذربايجان (الكاتبة المسؤولة).

m.bakhshi8@gmail.com

\*\* استاذ مساعد في قسم اللغة والأدب العربية، جامعة الشهيد مدني، آذربايجان. d.ghahramani@yahoo.com

\*\*\* طالبة ماجستير في قسم اللغة والأدب العربية، جامعة الشهيد مدني، آذربايجان. abisabz@yahoo.com